

سیمای حبیب بن مظاهر در «حماسه کربلاء» سروده سعید العسلی

دکتر سید مهدی نوری کینقانی^۱

تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۵/۱۴

چکیده

در دیوان شعر عاشورایی، وصف یاران امام حسین علیه السلام گستره وسیعی را به خود اختصاص داده و چکامه‌های بسیاری در شعر پارسی و عربی به مدح، ثنا و توصیف این بزرگواران اختصاص دارد. یکی از این دلاورمردان، حبیب بن مظاهر است که وصف او در منظومه «حماسه کربلاء» جلوه ویژه‌ای یافته است. این منظومه سروده سعید العسلی (۱۳۴۸-۱۴۱۴ق)، شاعر معاصر لبنانی است که در بیش از ۶۰۰ بیت به سیره امام حسین علیه السلام و یارانش پرداخته و حماسه‌آفرینی امام علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام و اصحابش را به زیبایی ترسیم کرده است. در مقاله حاضر سیمای حبیب بن مظاهر در این حماسه ستیزگ واکاوی و تبیین شده است. شایان ذکر است که شاعر در هفت چکامه و با تعبیری ادبی و آمیخته با زیبایی‌های بلاغی و تصاویر شعری به مهمترین

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری. seyved1221@yahoo.com

اوصاف حیب چون محبوبیت نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام،
 زهد و پارسایی، بینش و بصیرت، شجاعت و فداکاری پرداخته
 است.
کلیدواژه‌ها: حیب بن مظاهر، «حماسه کربلاء»، سعید العسلی،
 عاشورا.

۱- مقدمه

شعر و ادب عاشورایی همگام با خود نهضت عاشورا شکل گرفت و در طول این هزار و چند صد سال روز به روز بالیده و پرشورتر گشته است، همان گونه که نهضت حسینی هر روز جان‌های مشتاق را در سرتاسر عالم به سوی خود می‌کشاند و به قول اندیشمند مسیحی آنتوان بارا «هیچ حماسه انسانی، چه در گذشته و چه در حال، به اندازه حماسه شهادت طلبانه کربلا موجب همدردی و درس‌آموزی نشده است و این حماسه بزرگتر از آن بود که در معنای محدود لفظی بگنجد و برتر از آن بود که با معیارهای بشری سنجیده شود. انقلابی بود به مراتب بالاتر از یک حماسه» (بارا، ۱۳۸۱: ۴۷). شاید نخستین بارقه‌های شعر عاشورایی همان رجزهایی باشد که امام حسین علیه السلام، ذریه و اصحاب ایشان در میدان شهادت بر زبان جاری ساختند تا در روزگاران بعد الهام‌گرم‌ثبه‌سازان و چکامه‌سرایان عاشورایی باشد.

عاشورا از حوادث مهمی است که تحول چشمگیری در ادبیات عرب به خصوص ادبیات و شعر مذهبی ایجاد کرد. این واقعه با تأثیر در جان‌های شیفته اهل بیت، ادبیات و شعر مذهبی را وارد مرحله جدیدی کرد و شاعران با قلم نافذ و کلام شیوای خود به دفاع از حقانیت اهل بیت علیهم السلام و بیان مظلومیت آنان برخاستند (انصاری، ۱۳۹۲: ۲۰). هرورق از دیوان شعر عاشورایی به وصف و ستایش عاشقی دل‌سوخته از این شیدایان حسینی مزین گشته است؛ از ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام یعنی وجود مبارک سید الشهداء علیه السلام، حضرت زینب کبری علیه السلام، علی اکبر علیه السلام، سقای آب و ادب گرفته تا اصحاب و یاران باوفای ایشان مانند زهیر بن قین، نافع بن هلال و... یاران امام حسین علیه السلام پارسایان و کاملانی دلیر بودند که در انسانیت و آزادگی گوی سبقت را از

همگان ربوده بودند. «اینان نخبه‌های جهان انسانیت بودند و بشریت باید به داشتن چنین فرزندان افتخار کند. اینها از مظاهر فریبنده دنیا چشم پوشیدند و حجت خداوند و فرزند پیغمبر را یاری کردند و از هدف مقدس و انسانی وی حمایت نمودند» (هاشمی نژاد، ۱۳۸۶: ۲۳۴).

یکی از این دلاورمردان ارجمند، حبیب بن مظاهر است؛ پیری شیدا که شاعران پارسی و عربی فراوان در مدح عظمت و وصف شجاعتش چامه‌ها و چکامه‌ها ساخته‌اند. «حبیب بن مظاهر از شهدای والا قدر کربلا و از طایفه بنی‌اسد، کوفی و از اصحاب رسول خدا ﷺ بود. او در هر سه جنگ صفین، نهروان و جمل در رکاب امام علی ﷺ شرکت داشت و از اصحاب خاص امیرالمؤمنین به شمار می‌رود. در نهضت مسلم بن عقیل در کوفه، وی از کسانی بود که برای بیعت با مسلم کوشش کرد. وی نزد امام حسین ﷺ موقعیت والایی داشت و امام ﷺ او را به عنوان فرمانده جناح چپ سپاه خویش تعیین کرد» (محدثی، ۱۳۸۷: ۱۵۱، ۱۵۲).

مقاله حاضر با استفاده از شیوه توصیفی - تحلیلی به اوصاف این یار صدیق امام حسین ﷺ در آینه شعر سعید العسلی، پرداخته است. سعید بن عبدالحسن بن محمد عسلی عاملی، ادیب و شاعر معاصر لبنانی، در بنت جبیل زاده و پرورش یافت. دیوان‌های شعری و آثار ادبی و علمی متعددی نظیر «مولد النور»، «أبوتالب کفیل الرسول» و کتاب‌هایی چون الفروسية العربية فی الجاهلیة والإسلام از وی به یادگار مانده است (جبوری، ۲۰۰۳: ۳ / ۴۲). حماسه زیبای او در مورد امام حسین ﷺ به نام «ملحمة کربلاء»، از شیوایی، استحکام و جاذبه خوبی، برخوردار است. «سعید العسلی این ملحمة را در سال ۱۹۸۵ میلادی در بیش از ۶۰۰۰ بیت سروده است. وی آنگونه که خود بیان می‌کند، رنج بسیاری را برای تنظیم ملحمة و هماهنگی کامل آن با حوادث تاریخی واقعه عاشورا متحمل گردیده است. هدف نویسنده به تصویر کشیدن زندگی امام حسین ﷺ از لحظه ولادت تا شهادت با همه جزئیات آن است» (محمدزاده، ۱۳۸۳: ۱ / ۶۴۰).

پیشینه

در خصوص سیمای حبیب بن مظاهر در شعر فارسی و عربی و نیز در شعر سعید العسلی تاکنون پژوهشی انجام نشده است اما درباره سعید العسلی و منظومه «حماسه کربلاء» پژوهش‌هایی نظیر «بررسی ادبی و هنری ملحمه کربلاء اثر سعید العسلی»^۱؛ «نگاهی به عناصر ادبی در منظومه حماسی کربلاء اثر سعید العسلی»^۲؛ کتاب/مأم حسین علیه السلام در شعر معاصر عربی^۳؛ «بررسی شعر قصصی حسینی در ملحمه کربلا سعید العسلی»^۴؛ «تحلیل گونه‌های مختلف بینامتنی قرآن و میراث ادب عربی، در «حماسه کربلاء» سروده سعید العسلی»^۵، به انجام رسیده است.

۲- سیمای حبیب در «حماسه کربلاء»

سید العسلی در «حماسه کربلاء» شرح حال حبیب بن مظاهر را در هفت چکامه زیبا می‌آورد و به شیوه داستانی، مروری بر زندگی حبیب، فضایل، سیره و اخلاق او دارد. عناوین هریک از قصاید به ترتیب «حبیب فرزند مظاهر»، «پیوستن حبیب به حسین علیه السلام»، «حبیب و همسرش»، «حبیب و نشان»، «حبیب و بیرق»، «نماز خوف» و سرانجام «شهادت حبیب» است.

۲-۱. حبیب، محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله

در نخستین چکامه‌ای که سعید العسلی در معرفی حبیب و اوصافش می‌آورد، در تعبیری شاعرانه از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌گوید که من حبیب را بسیار دوست می‌دارم و این عشق، عیب نیست و سپس از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله علت این عشق به حبیب را به زیبایی بیان می‌دارد:

۱. سید مهدی نوری کیدقانی، پایان‌نامه ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

۲. عبدالحسین فقهی و سید مهدی نوری کیدقانی، مجله ادب عربی دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.

۳. اثر دکتر خزعلی که در ضمن بحث از ملاحم حسینی، به این ملحمه نیز پرداخته است.

۴. پایان‌نامه ارشد، دانشگاه آزاد واحد کرمانشاه، بی‌تا.

۵. سید مهدی نوری کیدقانی، مطالعات ادبی متون اسلامی، شماره ۱۴، ۱۳۹۸.

ولذا كان النبي يُحِبُّه و تَضَمَّه مِنْ جَانِحِيهِ رِحَابُ
 ويقول إن حبيبَ نَجَلٍ مَظَاهِرٍ أَحْبَبْتَهُ وَالْحَبُّ لَيْسَ يِعَابُ
 ولأنه يَهْوَى الْحُسَيْنَ أَحْبَبَهُ وَعَلِيَهُ أَعْطَفَ وَالْهَوَى غِلَابُ
 ويرد عن آل النبي بسيفه كَيْدَ الطَّغَاةِ وَعِزُّهُ وَثَابُ
 وتسيل من أجل الحسين دماؤه فَوْقَ الرَّمَالِ كَأَنَّهُ الْمِيْزَابُ
 صدق لرسول فأن نجل مظاهر وَرَعٌ فَقِيهَةٌ طَاهِرٌ أَوَابُ^۱
 (العسيلي، ۱۹۸۶: ۳۶۱)

گفتنی است اشاره شاعر در اینجا به ماجرای است که در آن نقل می‌کنند: «روزی پیامبر ﷺ با اصحابش در راهی می‌رفتند که دیدند کودکانی در حال بازی هستند. پیامبر ﷺ نزد کودکی نشست و میان دوچشمانش را بوسید و او را در آغوشش نشانید و بسیار بوسید. وقتی علت را جویا شدند حضرتش فرمود من دیدم این کودک با حسین بازی می‌کند و خاک زیر پای حسین را برمی‌دارد و بر چهره و چشم خود می‌مالد، پس من نیز او را دوست دارم چون فرزندم حسین را دوست دارد و جبرئیل مرا خبر داد که این کودک در روز عاشورا حسین را یاری خواهد کرد؛ آن طفل حبيب بن مظاهر بود» (موسوی زنجانی، ۱۴۰۲: ۱۱۹).

۱-۲. محبوب سید الشهداء ﷺ

حبيب بن مظاهر محبوبیتی خاص نزد سید الشهداء ﷺ داشت. وی نمونه‌ای تمام و کمال و سرمشقی کم‌نظیر در شاگردی مدرسه اهل بیت ﷺ است. او جزو معدود کسانی است که با دعوت مکتوب و مستقیم امام ﷺ به کربلا می‌رود. رابطه او با امام ﷺ به خصوص در کربلا رابطه‌ای درنیافتنی و وصف نشدنی است (شجاعی، ۱۳۹۰ ب: ۵۴).

۱. برای همین پیامبر ﷺ او را دوست می‌داشت و با آغوش باز پذیرای او بود و می‌فرمود: حبيب پسر مظاهر را دوست دارم و این عشق عیب نیست. زیرا او حسین را دوست دارد و نسبت به او مهربان است و عشق بر همه چیز غالب آید. او در آینده با شمشیرش و عزمی استوار کید دشمنان را از خاندان پیامبر دفع می‌کند. خورش به خاطر حسین چون ناودانی بر صحرای کربلا جاری می‌شود. آری پیامبر ﷺ راست گفت، به راستی که فرزند مظاهر فقیهی پاک و عابد است.

سعید العسلی در قسمت‌های مختلف حماسه‌اش به محبوبیت این یار باوفا نزد امام حسین علیه السلام اشاره دارد. در قصیده‌ای با عنوان «حبیب و الراية» صحنه‌ای را که امام علیه السلام در جمع یارانش منظر حبیب است به زیبایی ترسیم می‌کند. امام علم‌ها را میان یاران تقسیم کرده و تنها یک پرچم باقی مانده است که هرکس تمنا دارد این پرچم بدو رسد اما امام علیه السلام منتظر حبیب خویش است تا بیرق را بدو سپارد:

مكثُ الحسینُ بانتظار صدیقه والعینُ ترقبُ فدفداً و قفارا
 مِن بعد ما عقدت علی أصحابها رایاتِ عزّ جاورتِ أقمارا
 بقیا هنالك رایة ولحملها ولمجدها یتسابقون غیاری
 قال الحسینُ لرایتی حمّالها وفؤاده لا یرهب الأقدارا^۱

(العسلی، ۱۹۸۶: ۳۶۶)

تا این که حبیب از دور نمایان می‌شود و چون به مقابل امام علیه السلام می‌رسد بوسه بر خاک می‌زند و زینب کبری علیها السلام از رسیدن او شادمان می‌شود:

وهوی بُعیدَ وصوله فوق الثری مترجلاً والدمعُ بلّ عذارا
 والأرضُ قبلها أمّامَ إمامه مِن ثمّ صافحَ بعده الأنصارا

(همان)

علمت به أمّ المصائب زینبُ ورأت هنالك فرحةً و حوارا
 قالت خذوا منی سلاماً عاطراً لحبیب یرحمُ روضةً معطاراً^۲

(همان)

۱. حسین علیه السلام به انتظار دوستش درنگ کرد در حالی که چشم به صحراها داشت. این پس از آن بود که برای یاران خویش پرچم‌های عزتی را معین کرد که با ماه‌های آسمان پهلو می‌زد. تنها یک پرچم ماند که غیورمردان برای حمل آن برهم سبقت می‌گرفتند. حسین علیه السلام فرمود که این پرچم حامل خود را دارد در حالی که قلبش از سرنوشت بیمناک نبود.

۲. زان پس که به امام علیه السلام رسید از اسب پیاده شد و بر خاک افتاد و بر رخسارش اشک هویدا شد و در برابر امامش زمین را بوسید و سپس با یاران امام علیه السلام مصافحه کرد. ام‌المصائب حضرت زینب علیها السلام که از آمدن او مطلع گشت شادمان شد و گفت از جانب من سلامی عطراً گین و حامل بوستانی خوشبوی به حبیب برسانید.

صحنه‌ای که سعید العسلی در آن گریه اندوهبار سید الشهداء علیه السلام بر حبیب را به تصویر می‌کشد، گواهی دیگر بر محبوبیت این پاکباز راه عشق دارد:
 وبکی الحسین علی الحبيب بحسرة ودموعه قد بلت الأردان^۱
 (همان، ۳۷۲)

به گواهی منابع حبیب چنان محبوب سید الشهداء علیه السلام بود که «کشته شدنش حسین علیه السلام را در هم شکست» (ابومخنف، ۱۳۸۰: ۱۸۱).

۲-۳. علم و بصیرت

بی‌شک یکی از اوصاف مردان الهی علم و آگاهی است. آن هم علمی که به ایشان قدرت تشخیص و تمییز حق از باطل را می‌دهد. این علم ریشه در تقوا دارد که خداوند فرمود: «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (انفال / ۲۹) و هدیه‌ای است از جانب الهی که به خوبانی ارزانی می‌شود که قابلیت هدایت دارند: «ولیس العلم بکثرة التعلّم إنما هونور یقذفه الله فی قلب من یرید أن یرید» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰ / ۶۷).

حبیب بن مظاهریکی از اولیاء الهی بود که دانشی از این گونه داشت. دانشی الهی که او را به مقام مولایش آگاه ساخته و مطیع امر ولی اعظم الهی گردانیده بود. مرحوم محدث قمی (۱۴۱۴: ۲ / ۲۶) می‌نویسد: «از روایات معلوم می‌شود که وی از اصحاب خاص امیرمؤمنان و حاملان علوم وی بود» و در منابع آمده است که حضرت امیر علیه السلام او را از علم منایا و بلایا آگاه ساخته بود (بیضون، ۱۴۲۷: ۲ / ۸۲) و جریانی هم که درباره گفتگوی حیرت‌انگیز میان او و میثم تمار نقل می‌کنند، از همین علم خاص خبر می‌دهد. در این گفتگوهریک از این دو بزرگوار از کیفیت شهادت دیگری در آینده خبر می‌دهد (نک. بحرانی، ۱۴۱۳: ۱۷ / ۳۳۴). العسلی (۱۹۸۶: ۳۶۱) در شعرش به زیبایی به این دانش ربانی حبیب که توأم با پارسایی است و آن را از مولایش علی علیه السلام فرا گرفته اشاره می‌کند:

۱. حسین علیه السلام با حسرت بر حبیب گریست، چنان که اشک‌های حضرتش سراسر ایشانش را خیس کرد.

هو عالمٌ من أصفیاء المرتضیٰ وله بذلک یشهدُ المحرابُ^۱
 همچنان که فقاقت و دانش دینی او را یادآور می‌شود:
 صدق الرسولُ فإنَّ نجلَ مظاهرٍ ورعٌ فقیهٌ طاهرٌ أو ابٌ

(همان)

وجه زیباست وقتی می‌بینیم که این «فقه» و بینش ژرف او در علم دین از زبان مبارک سید الشهداء علیه السلام در نامه به وی آشکار می‌شود آنجا که فرمود: «مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ إِلَى الرَّجُلِ الْفَقِيهِ حَبِيبِ بْنِ مُظَاهِرٍ» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ۳ / ۱۴۶).

۲-۴. شجاعت

شجاعت از اوصاف مردان خدا است چرا که «آن که از خدا بترسد خداوند هراس از بندگانش را از دل او می‌زداید و از همه چیزایمن است» (ری شهری، ۱۳۸۴: ۱۵ / ۳). یاران شیدای حسین بن علی علیه السلام مظهر شجاعت بودند. «شجاعت عاشوراییان ریشه در اعتقادشان داشت. آنان که به عشق شهادت می‌جنگیدند از مرگ ترسی نداشتند تا در مقابله با دشمن سست شوند» (محدثی، ۱۳۸۴: ۷۵). حبیب بن مظاهر نیز با آن که سنی از او گذشته بود و کهنسال بود اما در میدان نبرد بسیار شجاع ظاهر گشت و به قول شاعر پارسی:

چنان رزمی نمود آن پیر هشیار که بر نام آوران تنگ آمدی کار

(ابن طاووس، ۱۳۷۷: ۶۸)

او در نبردهای پیشین در رکاب شهسوار عرب و اسدالله الغالب شمشیرزده بود. و جزو شرطة الخمیس در سپاه علی علیه السلام بود (قرشی، ۱۴۱۳: ۳ / ۲۱۹) به قول یکی از نویسندگان «شمشیر حبیب آنچه در دست دارد نیست، شمشیر حبیب خاطره دلآوری‌های او در رکاب علی علیه السلام است. پیکر حبیب یک مثنوی رشادت صفتین است. طنین گام‌های اسب حبیب، خاطره کشته‌های دشمن را برایش تداعی می‌کند» (شجاعی، ۱۳۹۰ الف: ۶۰). العسلی (۱۹۸۶: ۳۶۱)، حبیب را در میدان چناه شجاع می‌داند که دوست و

۱. او دانشمندی بود از یاران برگزیده امام علی علیه السلام که محراب بر این پاکی و دانش او گواهی می‌دهد.



دشمن گواه این رشادت اوست:

وله بميدان الكفاح بسالة شهدت لها الأعداء والأصحاب^۱

در توصیف وی، حبیب در میدان چنان حمله می‌برد که گویا بر شمشیرش سیلی آتشین جاری است که چون آتشفشان فوران می‌کند:

و حبيب يختطف النفوس بصارم شقّ الرؤوس و مزقّ الأبدانا
و كأن فوق السيف سيلاً قد همى ناراً فبات لهيها برکانا^۲
(العسيلي، ۱۹۸۶: ۳۷۱)

شاعر در تصویری حماسی و با جان‌بخشی به اشیاء و به اصطلاح دانشمندان بلاغت صنعت تشخیص، دلیری حبیب را چنان می‌داند که گویا شمشیرهای دشمنان از ضربات او در هراسند:

وهوت عليه سيوفهم و كأنها عند النزول تخاف منه طعانا^۳

(همان)

۲-۵. زهد و عبادت

حبیب بن مظاهراز پارسایان و عابدانی بود که طعم شیرین عبادت را با جان و دل چشیده بود. سعید العسيلي (۱۹۸۶: ۳۶۱) او را زاهدی معرفی می‌کند که زهدش خردها را به تحیر و می‌دارد و هر شب کلام الله را ختم می‌کند:

جمّ المدارك زاهدٌ متعبدٌ وبزهده تحيرُ الألبابُ
هو يختتم القرآن كلَّ عشية و ختامه مسكٌ وفيه ثوابٌ^۴

اشارت العسيلي در ابیات بالا به مطلبی است که در کتاب‌های تاریخی و سیره درباره حبیب آمده است که «حبیب مردی با کمال و جمال و پیر کهن سال بود. و قرآن

۱. او را در آوردگاه، شجاعتی است که دوست و دشمن بدان گوهی دهند.

۲. حبیب جان‌های دشمنان را می‌ستاند، با شمشیری که سرها را می‌شکافد و پیکرها را پاره می‌کند. گویا بر روی شمشیرش سیلی آشناک جاری است که شعله‌اش چون آتشفشان است.

۳. شمشیرهای دشمن بر او فرود آمد و گویا این شمشیرها هنگام فرود از ضربات او در هراسند.

۴. دارنده تمام اوصاف کمال و پارسایی که خردها از زهد وی به شگفت می‌آید. او در هر شب قرآن را ختم می‌کند و پایانی خوش دارد با پاداشی سترگ.

مجید به تمام حفظ داشت هر شب ختم کلام الله کردی و بعد از ادای نماز خفتن تا دمیدن صبح قرآن را تمام کردی» (کاشفی، ۱۳۸۲: ۳۸۰) و چه نیکوست ختم قرآنی که با معرفت امام علیه السلام همراه باشد همچنان که سید الشهداء علیه السلام «به پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله حاملان قرآن را، سرشناسان بهشتیان در رستاخیز اعلام می‌کرد» (سیدی، ۱۳۹۴: ۲۶۵).

۲-۶. شیدای امام علیه السلام

در تصویری که العسیلی ارائه می‌دهد عشق و ارادت حبیب به مولایش حسین علیه السلام چنان است که وقتی نامه امام علیه السلام به حبیب می‌رسد او را شادمان می‌سازد، چون سرمه‌ای که توتیای دیدگان باشد:

ورد الكتاب فزاده استبشارا و علی الحروف بمقلتیه أغاراً
وتلففتها عينه و كأنها كحلٌ يُعالجُ ميله الأبصاراً^۱

(العسیلی، ۱۹۸۶: ۳۶۲)

به راستی که گویا با این نامه ثروتی عظیم بدو داده‌اند لذا آن را بر دیده می‌نهد و چون گلی عطراگین می‌بوید:

کم ضمَّها بجفونه کم شمَّها شمَّاً و خالاً بأنَّها أزهاراً^۲

(همان)

همین محبت و ارادت اوست که وقتی او را امان دادند و با زر وعده کردند تا دست از یاری حسین علیه السلام بکشد گفت: ما را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله چه عذری باشد که حسین علیه السلام کشته شود و ما نظاره‌گر باشیم و تیرو شمشیرها را با جان و دل پذیرفت (نک. کشی، ۱۳۶۳: ۱/۲۹۳).

۲-۷. یقین و صلابت ایمان

از جمله اوصاف حبیب بن مظاهر قدرت ایمان و یقین اوست. امری که باعث شد

۱. نامه حضرت که بدو رسید برشادی اش افزود و با اشتیاق آن را خواند و برچشم نهادش چنانکه گویا سرمه‌ای است که دوی دیدگان اوست.

۲. چقدر آن نامه را برچشم‌هایش نهاد و با عشق بوید و آن را گلی تصور کرد.

حتی لحظه‌ای در حقانیت مولایش حسین شک نکند و با صلابت در برابر دشمنان دین بایستد. از جمله مواضعی که صلابت و قدرت ایمان حبیب را نشان می‌دهد پاسخی است که به حصین بن تمیم می‌دهد. «گفته‌اند: وقتی حسین عَلَيْهِ السَّلَام برای ادای نماز ظهر از آنان مهلت خواست، حصین بن تمیم به آن حضرت گفت: نمازت پذیرفته نیست! حبیب در پاسخ او گفت: خیال کردی نماز خاندان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پذیرفته نیست و از تو الاغ^۱ پذیرفته است! حصین براو حمله کرد و حبیب نیز براو حمله ور شد، حبیب با شمشیر به صورت اسب حصین کوبید و اسب بر سر سم بلند شد و او بر زمین افتاد، یارانش حمله کرده و او را از چنگ حبیب نجات دادند» (سماوی، ۱۳۸۱: ۱۳۲).

شاعر این صحنه را به زیبایی در حماسه خود به تصویر کشیده است و با هنر شاعرانه خود آن را پرورده است:

طَوَّلَ الزَّمَانَ تَعَانِقُ الْبُطْلَانَا	قَالَ الْخَبِيثُ وَإِنَّ صَلَاتَكُمْ
كَالَلَيْثِ يَهْدُرُ إِنْ رَأَى الْحَمْلَانَا	وَعَلَيْهِ رَدَّ حَبِيبٌ نَجْلُ مَظَاهِرِ
فِيهِمْ عَرَفْنَا الْحَقَّ وَالْفِرْقَانَا	يَا وَيْلَ أُمِّكَ إِنْ أَلَّ مُحَمَّدٌ
خَلْفَ الرَّسُولِ وَسَبَّحَ الرَّحْمَانَا	وَصَلَاتِهِمْ جَبْرِئِيلُ قَدْ صَلَّى بِهَا
وَقَدْ امْتَلَأَتْ بِكَيْدِهِمْ أَضْغَانَا ^۲	وَزَعَمْتَ أَنْكَ يَا خَبِيثَ عَلَى الْهَدَى

(العسيلي، ۱۹۸۶: ۳۶۹)

سعید العسيلي از زبان حال حبیب، حصین را به سخره می‌گیرد و تشبیه او به حیواناتی چون بوزینه و الاغ را توهین به این حیوانات می‌داند، بلکه او را افعی شیطان صفت می‌خواند:

وَلَقَدْ أَهَنْتَ الْقَرْدَ إِنْ أَشْبَهْتَهُ وَأَهَنْتَ إِنْ شَبِهْتَ فِيكَ أَتَانَا

۱. در برخی منابع به جای حمار، خَمَار (دائم الخمر) آمده است.

۲. آن خبیث گفت که نماز شما در طول روزگار باطل است. حبیب چون شیری که با دیدن آهوان غرش کند، به او پاسخ داد که وای بر تو! ما حق را در خاندان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یافتیم و ایشان معیار تشخیص حق از باطل هستند و خداوند و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و پس از او جبرئیل بر آنها درود فرستاده است؛ اما تو با دلی سرشار از کینه آنها گمان می‌بری که بر راه هدایت هستی؟

ما إنت إلا ذیل أفعی قد حوت فی کل جارحة به شیطانا^۱
(همان، ۳۶۹، ۳۷۰)

نتیجه

مقاله حاضر سیمای حبیب بن مظاهر، یار باوفای سید الشهداء علیه السلام را در منظومه «حماسه کربلاء» سروده سعید العسیلی بررسی کرده است. در این خصوص شایان ذکر است که اشعار وی درباره حبیب، هم به لحاظ حجم و هم کیفیت پرداختن به موضوع قابل توجه و از دیگر شاعران متمایز است. العسیلی هفت چکامه مجزا را به حبیب بن مظاهر اختصاص داده و سعی کرده جایگاه معنوی و فضایل این پیر میدان عشق را به زیبایی برای خوانندگان ترسیم کند. وی هم به اوصاف ظاهری حبیب چون پیکار شجاعانه در میدان و چالاکی و بی باکی اش اشاره می کند و هم فضایل روحی و معنوی ایشان را مانند زندگی پاک و سالم، بصیرت، زهد و تقوا، اطاعت محض از امام حسین علیه السلام و دفاع از حق و حقیقت را به تصویر می کشد. سیمای حبیب در منظومه «حماسه کربلاء»، سیمای پیرمردی شیدا و آگاه است که با علم و آگاهی، راه سعادت خود را برمیگزیند و مظاهر فریبنده جهان و مشغله های زندگی او را از یاری امامش باز نمی دارد؛ دل داده ای که در طول عمر پربرکت خود چنان سالم زیسته و از قیود ظاهری و باطنی دنیا رها شده که به محض فراخوان امامش ندای او را لبیک می گوید و خانواده نیز او را تشویق و یاری می کنند و لذا لحظه ای درنگ نمی کند تا سرانجام به لطف الهی خود را به مرادش می رساند و به سعادت ابدی نائل می شود.



۱. اگر تورا به بوزینه مانند کنند اهانتی به آن حیوان است و نیز اگر به الاغ تشبیه شوی توهین به اوست! تو چون افعی هستی که در هر قسمت از بدنش شیطانی نهفته است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۷ش)، لهوف منظوم یا معارج المحبته، ترجمه علی حائری محلاتی، تصحیح عقیقی بخشایشی، قم، دفتر نشر نوید اسلام.
- ابومخنف کوفی (۱۳۸۰)، نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا، ترجمه جواد سلیمانی، قم، دانشگاه شهید محلاتی.
- احمدی میانجی، علی (۱۴۲۶ق)، مکاتیب الأئمة عليهم السلام، تصحیح مجتبی فرجی، قم، دار الحدیث.
- انصاری، نرگس (۱۳۹۲ش)، حسین زبانی دیگر، تهران، مجتمع فرهنگی عاشورا.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نور الله (۱۴۱۳ق)، عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآیات والأخبار والأقوال، قم، مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام.
- بیضون، لیب (۱۴۲۷ق)، موسوعة كربلاء، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- جبوری، کامل سلمان، معجم الأدباء من العصر الجاهلی حتى سنه ۲۰۰۲ م، بیروت، دارالکتب العمیه، ۲۰۰۳ م (دوره ۶ جلدی).
- ری شهری، محمد (۱۳۸۴)، میزان الحکمة، قم، دار الحدیث.
- سماوی، محمد بن طاهر (۱۳۸۱ش)، سلحشوران طف، ترجمه عباس جلالی، قم، زائر.
- سیدی، حسین (۱۳۹۴ش)، یک غنچه، صد زخم، نگاهی نوبه زندگی و شخصیت امام حسین عليه السلام، قم، معارف.
- شجاعی، سید مهدی (۱۳۹۰ش - الف)، از دیار حبیب، تهران، نیستان.
- _____ (۱۳۹۰ش - ب)، مردان و رجزهایشان، تهران، کتاب نیستان.
- العسلی، سعید (۱۹۸۶م)، كربلاء، بیروت، دار الزهراء.
- قرشی، باقر شریف (۱۴۱۳ق)، حیاة الإمام الحسین عليه السلام، قم، مدرسه علمیه ایروانی.
- قمی، عباس (۱۴۱۴ق)، سفینه البحار، قم، اسوه.
- کاشفی سبزواری، ملا حسین (۱۳۸۲ش)، روضة الشهداء، قم، نوید اسلام.

- کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳ش)، *اختیار معرفة الرجال*، تحقیق مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محدثی، جواد (۱۳۸۴ش)، *پیام های عاشورا*، قم، زمزم هدایت.
- محدثی، جواد (۱۳۸۷ش)، *فرهنگ عاشورا*، قم، نشر معروف.
- محمدزاده، مرضیه (۱۳۸۳ش)، *دانشنامه شعر عاشورایی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات.
- موسوی زنجانی، ابراهیم (۱۴۰۲ق)، *وسيلة الدارین فی أنصار الحسین علیه السلام*، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- هاشمی نژاد، عبدالکریم (۱۳۸۶ش)، *درسی که حسین علیه السلام به انسان ها آموخت*، تهران، نشر شاهد.
- بارا، آنتوان (۱۳۸۱ش)، *امام حسین علیه السلام در اندیشه مسیحیت*، ترجمه فرامرز میرزایی و علی باقر طاهری نیا، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

